

An Explanation of Adolescent Delinquency Based on Adler's Theory of Individual Psychology

Reza Ghasemi Jobaneh*: Assistant professor of counseling, department of psychology, faculty of literature and humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. ghasemi.r@lu.ac.ir

Mohammad Abbasi: Associate professor of educational psychology, department of psychology, faculty of literature and humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. abasi.mo@lu.ac.ir

Shahriar Dargahi: Assistant professor of counseling, department of psychology and counseling, Farhangian University, Tehran, Iran. shahriardargahi@yahoo.com

Abstract

Introduction: Delinquency has been examined across various disciplines within the human and health sciences. Adler's Individual Psychology is a psychological theory that has significantly influenced the development and expansion of other theories. Many constructs related to the social sciences can also be explained within its theoretical framework. Accordingly, the present study aimed to explain adolescent delinquency based on Adler's Individual Psychology.

Methods: The present study employed a narrative review approach. The review was conducted in the autumn of two thousand twenty-four. Relevant literature was searched using individual and combined keywords, including "delinquency," "adolescents," "Alfred Adler," "Adler," and "Individual Psychology." The search covered publications available up to the end of the Iranian calendar year 1403, corresponding to 2024 in the Gregorian calendar, with no lower time limit. The databases and information resources searched included Magiran, SID, PubMed, ScienceDirect, Google Scholar, and LibGen.

Results: The findings indicated that, from the perspective of Individual Psychology, delinquent adolescents tend to exhibit lower levels of social interest as a result of a destructive lifestyle shaped by early life experiences and an unfavorable family environment. They may also engage in delinquent behavior to defend their fragile self-esteem. From an Adlerian perspective, delinquency can be understood as a purposeful but maladaptive form of compensation for feelings of inferiority. It is associated with discouragement and an inferiority complex and interferes with the fulfillment of life tasks. On the other hand, Adler's theory, also referred to as the psychology of courage and the psychology of use, emphasizes the potential for change, growth, and improvement at every stage of life through the creative power of the self.

Conclusions: The findings have important implications for preventing adolescent delinquency and crime and promoting social health. Actions that foster the development of a constructive lifestyle during childhood may contribute to better functioning in subsequent developmental stages, including adolescence. Furthermore, various approaches, such as self-examination, counseling, and Adlerian psychotherapy, may help promote a constructive lifestyle, improve individual functioning, and reduce individual, family, and social problems, including delinquency.

Keywords

Adler, Juvenile Delinquency, Individual Psychology, Adolescent

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 09 Mar 2025
Accepted: 09 Oct 2025

Please cite this article as follows:

Ghasemi Jobaneh R, Abbasi M, and Dargahi S. An explanation of adolescent delinquency based on adler's theory of individual psychology. *Quarterly Journal of Social Work*. 2023; 13 (4); 14-24

تبیین بزهکاری نوجوانان بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر

رضا قاسمی جوبنه*: استادیار مشاوره، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. ghasemi.r@lu.ac.ir
محمد عباسی: دانشیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. abasi.mo@lu.ac.ir
شهریار درگاهی: استادیار مشاوره، گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. shahriardargahi@yahoo.com

واژگان کلیدی

آدلر، بزهکاری،
روانشناسی فردی، نوجوان

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۷/۰۷/۱۷

چکیده

پیشگفتار: در رشته‌های مختلف علوم انسانی و سلامت به بزهکاری پرداخته شده است. روانشناسی فردی آدلر یکی از نظریه‌هایی روانشناسی است که نقش قابل ملاحظه‌ای در شکلگیری و گسترش سایر نظریه‌ها داشته و بسیاری از سازه‌های مرتبط با علوم اجتماعی را می‌توان بر اساس آن تبیین کرد. هدف از پژوهش حاضر نیز تبیین بزهکاری نوجوانان بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر بود.

روش: پژوهش حاضر با روش مرور روایتی انجام شد. این پژوهش در پاییز ۱۴۰۳ انجام شد و برای جستجو از کلیدواژه‌های تکی و ترکیبی «بزهکاری»، «نوجوان»، «آلفرد آدلر»، «آدلر» و «روانشناسی فردی» بدون محدودیت زمانی تا تاریخ ۱۴۰۳ شمسی و ۲۰۲۴ میلادی در پایگاه‌های نمایه کننده منابع همچون Magiran، SID، Pubmed، ScienceDirect، Google Scholar، LibGen استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بر اساس روانشناسی فردی نوجوانان بزهکار به دلیل سبک زندگی مخرب و تحت تاثیر سال‌های اولیه زندگی و جو نامطلوب خانواده از سطوح پایینتری از علاقه اجتماعی برخوردار هستند و به دلایلی همچون دفاع از عزت نفس شکننده به بزهکاری گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا بزهکاری به عنوان یک مکانیزم جبران غیرسازنده و هدفمند برای مواجهه با احساس حقارت با دلسردی و عقده حقارت همراه است و مانع از انجام تکالیف زندگی می‌شود. از سوی دیگر بر اساس نظریه آدلر که روانشناسی شجاعت و روانشناسی استفاده هم شناخته می‌شود از طریق قدرت خلاق خود امکان تغییر، رشد و بهبودی در هر مرحله از زندگی وجود دارد.

پی‌آمد: یافته‌های پژوهش حاضر تلویحات مهمی در زمینه پیشگیری از بزهکاری و جرم در نوجوانان و افزایش سلامت اجتماعی دارد؛ به طوری که هر اقدامی که موجب شکلگیری سبک زندگی سازنده در کودکی شود با عملکرد بهتر در سایر مراحل رشدی همچون نوجوانی همراه است. همچنین روش‌های مختلف همچون خودکاوی و دریافت مشاوره و روان درمانی آدلری موجب بهبود سبک زندگی سازنده و به تبع آن عملکرد بهتر و کاهش آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی همچون بزهکاری می‌شود.

رضا قاسمی جوبنه، محمد عباسی و شهریار درگاهی. تبیین بزهکاری نوجوانان بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۳؛ ۱۳ (۴): ۱۴-۲۴

نحوه استناد به مقاله

چکیده

نوجوانی که بین دوره کودکی و دوره بزرگسالی قرار دارد با تغییرات سریع جسمانی، روانی و اجتماعی همراه است و از نظر تاریخی، این سن معمولاً بین دوازده تا هجده سالگی است که تقریباً با زمان بلوغ شروع می‌شود تا زمانی که فرد به سطوحی از استقلال برسد. [۱] نوجوانان در این دوره تحت تأثیر روابط اجتماعی بیرون از خانواده نیز قرار دارند و گروه همسالان نقش مهمی در زندگی آن‌ها ایفا می‌کند. [۲] یکی از وظایف کلیدی رشد در نوجوانی هویت‌یابی و ایجاد یک هویت منسجم است. [۳] همچنین در طول دوره نوجوانی تا بزرگسالی، مغز تحت تغییرات بلوغ به‌عنوان بخشی از رشد طبیعی قرار می‌گیرد و انحراف از مسیرهای رشد مورد انتظار ممکن است سلامت روان‌شناختی نوجوانان را به‌طور جدی تهدید کند. [۴] بلوغ زود هنگام تقریباً در همه جمعیت‌ها شروع نوجوانی را تسریع کرده، درحالی‌که سن پایان نوجوانی و شروع بزرگسالی به دلیل زمان‌بندی تأخیر در انتقال نقش‌ها همچون تکمیل تحصیل، شروع کار افزایش پیدا کرده است. مسلماً، دوره گذار از کودکی به بزرگسالی در حال حاضر بخش بیشتری از مسیر زندگی را نسبت به گذشته اشغال می‌کند. بنابراین تعریف جامع‌تر از نوجوانی برای چارچوب‌بندی مناسب قوانین و سیاست‌های اجتماعی ضروری است و دامنه سنی ده تا بیست و چهار سال بیشتر با رشد نوجوانان مطابقت دارد. [۵] از سوی دیگر در صورتی که نوجوانان از توانمندی مطلوب برای مواجهه با چالش‌های رشدی برخوردار نباشند، در معرض آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی همچون بزهکاری قرار می‌گیرند. [۶] بزهکاری به اعمال خلاف و مجرمانه‌ای گفته می‌شود که توسط نوجوانان رخ می‌دهد و عموماً شامل اقدامات ضداجتماعی و غیرقانونی از جمله قلدری، خرابکاری، نزاع، مصرف مواد، فروش مواد و دزدی می‌شود که موجب تهدید نظم و امنیت جامعه می‌شود. [۷] افرادی که قبل از رسیدن به سن هجده سالگی دست به رفتار مجرمانه می‌زنند معمولاً مجرمان نوجوان نامیده می‌شوند. [۸] بزهکاری نوجوانان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی همواره مورد توجه محققان قرار دارد. [۹] نرخ رفتارهای مرتبط با بزهکاری در بسیاری از کشورها بالا گزارش شده است. برای مثال، در سال ۲۰۰۹، نوجوانان شانزده درصد از دستگیری‌ها در آمریکا را تشکیل دادند. همچنین، آمار جهانی نشان می‌دهد که سالانه حدود دویست هزار قتل توسط افراد ده تا بیست و نه ساله رخ می‌دهد. این روند در کشورهایی چون استرالیا نیز مشاهده می‌شود و در اروپا، افزایش قابل توجهی در جرایم نوجوانان و جوانان در اوایل قرن بیست و یکم رخ داد. در مناطق در حال توسعه مانند آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، صنعتی شدن به‌عنوان عاملی برای افزایش جرایم غیرخسونت‌آمیز اقتصادی شناخته می‌شود و کشورهای توسعه‌یافته نیز افزایش بزهکاری را گزارش می‌دهند. [۱۰] مرور پیشینه نشان می‌دهد که عوامل مختلف روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی در تبیین بزهکاری نقش دارند. در همین راستا یافته‌های یک پژوهش نشان داد اختلالات خانواده از جمله رفتار محدودکننده، سهل‌انگاری والدین، نظارت نادرست و رفتار غیرقانونی والدین با بزهکاری نوجوانان مرتبط است. هم‌نشینی با همسالان بزهکار و طرد همسالان نیز از علل اصلی بزهکاری است و زندگی در محله‌های پرخطر، قرار گرفتن مستقیم در معرض خشونت و فیلم‌های جنگی در رسانه‌ها نیز به‌عنوان عوامل خطر در بزهکاری در بین نوجوانان در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، فقر، بیسوادی، عملکرد ضعیف آموزشی در مدرسه و نبود آموزش اخلاقی نیز ممکن است نوجوانان را به بزه سوق دهد. [۱۱] پژوهشی دیگر نقش تلفیقی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی-فرهنگی به‌عنوان سازوکار شکلگیری بزهکاری در نوجوانان را تبیین کرده است، بدین ترتیب که ریشه بزهکاری نوجوانان در نقایص شخصیتی ناشی از آموزش ضعیف خانواده، یعنی خودآگاهی پایین نهفته است. خودآگاهی پایین نوجوانان همچنان بر روابط بین فردی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد که به‌طور غیرمستقیم منجر به طرد نوجوانان از ارزش‌های اصلی فرهنگی می‌شود و سپس منجر به شکلگیری شخصیت مجرمانه می‌گردد. [۱۲] پژوهشی دیگر بر اساس روش مرور سیستماتیک نشان داد تعارض و اختلال در عملکرد خانوادگی و غفلت و بدرفتاری دو پیش‌بینی‌کننده اصلی بزهکاری نوجوانان هستند و در مقابل پیشرفت تحصیلی بالاتر و روابط قوی و مثبت والدین عواملی بودند که به‌طور قابل توجهی از بزهکاری محافظت می‌کردند. همچنین مداخلات مبتنی بر خانواده و جامعه بیشترین اثربخشی مطلوب را در مهار تکرار جرم به همراه داشت که بیانگر آن است عوامل چندبعدی همچون خانواده، همسالان، محله، مدرسه و جامعه بر رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان موثر است. [۱۳] همچنین بزهکاری در دوره نوجوانی پیامدهای منفی گسترده‌ای به همراه دارد؛ از جمله می‌تواند به افت تحصیلی و ترک مدرسه منجر شود، فرصت‌های شغلی آینده را کاهش دهد و با رفتارهای پرخطری مانند مصرف مواد و خشونت همراه باشد. در مجموع، این

پدیده با تاثیر منفی بر کیفیت زندگی نوجوانان، مسیر زندگی آن‌ها را به‌طور جدی منحرف می‌کند. [۱۴] روانشناسی فردی آدلر نظریه‌ای است که نقش قابل ملاحظه‌ای در شکلگیری و گسترش سایر نظریه‌ها داشته و بسیاری از سازه‌های مرتبط با علوم رفتاری و آسیب‌های روانی و اجتماعی همچون بزهکاری را می‌توان بر اساس آن تبیین کرد. آدلر رویکرد خود را روانشناسی فردی نامید؛ زیرا بر منحصر به فرد بودن هر فرد متمرکز بود. [۱۵] آدلر ماهیت انسان را از منظر کل نگر، غایت‌شناختی، پدیدارشناختی، اجتماعی و سازه‌انگاری می‌نگریست. او مردم را به‌عنوان خالقان فعال جهان‌هایشان می‌دید که از اراده آزاد برخوردار هستند و معتقد بود که سازگاری اجتماعی لازمه زندگی سالم است و مواجهه غیرسازنده با احساس حقارت، خودمحوری، رقابت خصمانه، برخی استعدادهای بیولوژیکی و دلسردی، همگی منجر به آسیب روانی می‌شوند. [۱۶] درمان آدلری که بر پیشگیری تمرکز دارد، بر همکاری و ارتباط بین افراد در جهان ارزش قائل است و بر اولویت‌بندی روابط اجتماعی تاکید دارد [۱۷] و موجب بهبود سلامت روان از طریق افزایش احساس ارتباط، اهمیت، شایستگی و شجاعت می‌شود. [۱۸] آدلر دیدگاهی خوشبینانه به انسان داشت و مردم را موجوداتی خلاق در نظر می‌گرفت که صرفاً قربانی گذشته و شرایط نیستند، بلکه می‌توانند بر زندگی خود کنترل نسبی داشته باشند و سلامت روان را تجربه کنند. [۱۹] آدلر که به‌عنوان فرزند سوم در خانواده‌ای پرجمعیت رشد یافت، در سال‌های اولیه زندگی با ضعف‌های جسمانی و بیماری‌های متعدد مواجه بود؛ شرایطی که تجربه‌های اولیه دشواری را برای او رقم زد و در نهایت مسیر

زندگیش را به‌سوی پزشکی و تمرکز بر بهبود وضعیت انسان‌ها هدایت کرد. [۱۷] با این حال، آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد، نحوه مواجهه او با این شرایط است. آدلر نه تنها تحت تاثیر این محدودیت‌ها قرار نگرفت، بلکه بر اساس اصول نظریه خود، توانست در مسیر سازگاری و رشد گام بردارد. این تجربه زیسته، مبنایی برای شکلگیری نظریه‌ای فراهم کرد که بر اساس آن می‌توان رفتارهای ناسازگار از جمله بزهکاری را تبیین کرد. بنابراین، بررسی بزهکاری نوجوانان در چارچوب نظریه آدلر می‌تواند به درک عمیق‌تری از ریشه‌های روان‌شناختی این پدیده منجر شود و مسیرهای موثرتری برای پیشگیری و مداخله عرضه کند. امری که ضرورت انجام پژوهش‌هایی با رویکرد آدلری را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. همچنین شواهد نشان می‌دهد که رفتار مجرمانه در نوجوانان با طیفی از پیامدهای منفی جسمی، روانی و سلامت اجتماعی مرتبط است و سطوح قابل توجهی از جرم و جنایت در نوجوانان و جوانان همچنان رایج است. شناسایی و ترسیم قویترین عوامل خطر و حفاظتی و راهبردهای مداخله برای جرایم نوجوانان می‌تواند کلیدهای مهمی برای پیشبینی پیامدهای جرم در آینده باشد و به توسعه راهبردهای پیشگیرانه و مداخله زود هنگام موثر کمک کند. تحقیقات کنونی به طور گسترده عوامل را در تمام سطوح اعم از فردی تا جامعه، مورد بررسی قرار داده‌اند، هرچند تمرکز بیشتر بر پیشبینی‌کننده‌های سطح فردی مانند مصرف مواد، سابقه جنایی قبلی و رشد اخلاقی بوده است، [۲۰] درحالی که در تبیین بزهکاری به‌عنوان یک آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی، بهتر است به رویکردهایی مراجعه کرد که نقش هم‌زمان این عوامل در بروز رفتارهای بهنجار یا نابهنجار را لحاظ کرده باشند، رویکردهایی که نگاهی جامع و منسجم به انسان دارند و به ارتباط متقابل انسان و محیط اعتقاد دارند. در این میان، نظریه روانشناسی فردی آدلر با تاکید بر مفاهیمی همچون سبک زندگی و اهمیت بافت اجتماعی، رویکردی کل نگر و منسجم به رفتار انسان ارائه می‌دهد. این نظریه با در نظر گرفتن تعامل مستمر فرد با محیط و نقش ادراکات ذهنی در شکلدهی رفتار، ظرفیت قابل توجهی برای تبیین ریشه‌های بزهکاری دارد. [۲۱ و ۲۲] براین اساس، بهره‌گیری از چارچوب آدلری در مطالعه بزهکاری نوجوانان نه تنها می‌تواند خلا موجود در رویکردهای تقلیل‌گرایانه را جبران کند، بلکه زمینه را برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی موثرتر فراهم می‌سازد. بنابراین، انجام پژوهشی که بزهکاری نوجوانان را در پرتو نظریه آدلر تبیین کند، از نظر نظری و کاربردی ضرورتی قابل توجه دارد و پژوهش حاضر نیز با هدف تبیین بزهکاری نوجوانان بر اساس نظریه آدلر انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر مرور روایتی بود. باتوجه به هدف پژوهش حاضر، ارائه درکی مفهومی و یکپارچه از بزهکاری نوجوانان در چارچوب نظریه آلفرد آدلر بوده است. این موضوع ماهیتی میان‌رشته‌ای شامل روانشناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی

دارد و مستلزم تلفیق یافته‌های حاصل از مطالعاتی با رویکردهای روش‌شناختی متنوع است. از این رو روش مرور روایتی به عنوان رویکردی متناسب برای این پژوهش انتخاب شد. روش مرور روایتی با هدف کاوش درباره موضوعاتی که مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند و بیان بینش‌ها و تفکر جدید در مورد موضوعی خاص مفید است. همچنین مرور روایتی به عنوان یک روش انعطاف‌پذیر و کاربردی، نمای کلی از یک موضوع و تفسیرهای مرتبط با آن را بیان می‌کند و به تبع آن زمینه را برای تحقیقات بعدی برای پژوهشگران [۲۳] و اقدامات کاربردی لازم برای مشاوران و درمانگران فراهم می‌کند. یک پژوهش مرور روایتی شامل مراحل شناسایی یک سوال پژوهشی شامل توجه مرور به دلایلی همچون شفافیت در مورد موضوعی که در آن دانش محدودی وجود دارد یا تجزیه و تحلیل یک موضوع موجود به روشی متفاوت، جستجو همچون روش‌های جستجو، کلیدواژه‌های جستجو، پایگاه‌های داده برای جستجو، غربالگری شامل تعیین معیارهای ورود و خروج منابع انتخاب شده، نحوه انجام غربالگری، نحوه بررسی کیفیت مقالات، نمونه‌گیری یا انتخاب منابع با توجه به هدف پژوهش و تحلیل و تفسیر هم‌زمان داده‌های جمع‌آوری شده است. [۲۴] در پژوهش حاضر نیز این مراحل اجرا شده است و سوال پژوهش این بود که چطور می‌توان بر اساس نظریه آدلر بزهکاری نوجوانان را تبیین کرد؟ همچنین پژوهش حاضر در پاییز ۱۴۰۳ انجام شده است و از کتب تخصصی و مقالات علمی برای مرور ادبیات و پیشینه، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل استفاده شده است. برای جستجو از کلیدواژه‌های ترکیبی «بزهکاری»، «نوجوان»، «آلفرد آدلر»، «آدلر»، «روانشناسی فردی» (Adler, Adolescent, Delinquency, Individual Psychology بدون محدودیت زمانی تا تاریخ ۱۴۰۳ شمسی و ۲۰۲۴ میلادی در موتورهای جستجو و پایگاه‌های نمایه‌کننده منابع ایرانی Magiran, SID و خارجی Google Scholar, ScienceDirect, Pubmed استفاده شد. در مرحله نخست، نود منبع شناسایی شد که پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، سی و چهار منبع مورد غربالگری قرار گرفت.

سنجش‌های ورود و خروج

ورود: ارتباط مستقیم موضوعی با عنوان پژوهش، انتشار در منابع علمی معتبر نظیر مقالات پژوهشی، مروری و کتاب‌های علمی نگارش به زبان فارسی یا انگلیسی. **خروج:** دسترسی نیافتن به متن کامل مقاله. تمامی منابع انتخاب‌شده به صورت جداگانه توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن به صورت مبسوط در اختیار نویسنده مسوول قرار گرفت تا نگارش مقاله آغاز شود. همچنین برای افزایش اعتبار یافته‌ها، پیشنهاد نویس مقاله توسط سه متخصص در زمینه نظریه روانشناسی فردی آدلر دارای سطح تحصیلات دکتری در رشته‌های روانشناسی و مشاوره، مطالعه شد و نظرات اصلاحی و تکمیلی آن‌ها در تهیه گزارش نهایی پژوهش حاضر اعمال شد. در پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی نیز از طریق صداقت و امانت‌داری در حین مرور منابع و استناددهی رعایت شد، به طوری که از هرگونه تحریف یا تفسیر نادرست یافته‌های مطالعات پیشین پرهیز شد و تمامی منابع مورد استفاده مطابق با استانداردهای استناددهی علمی ارجاع داده شدند.

یافته‌ها

در این بخش نتایج مرور روایتی گزارش شده است. بدین ترتیب که مفاهیم کلیدی نظریه روانشناسی فردی به صورت مبسوط معرفی و هم‌زمان پدیده بزهکاری تحلیل تبیین شده است. این شیوه بیان، امکان درک عمیق‌تر از کارکرد هر سازه در فرایند بزهکاری را فراهم می‌سازد؛ به گونه‌ای که در دل هر مفهوم، هم زمینه‌های شکلگیری رفتار نظیر سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی و هم پیامدهای آن در همان سطوح به صورت درهم‌تنیده مورد تحلیل قرار گرفت.

سبک زندگی: از نظر آدلر سبک زندگی شامل الگوی منحصر به فردی از اهداف، عادات، خودپنداره، رفتارها، احساسات نسبت به دیگران، نگرش فرد نسبت به جهان و محصول اثر متقابل وراثت، محیط و قدرت خلاق یک فرد است. [۲۵] سبک زندگی هدایت‌کننده رفتارهای بعدی افراد است و در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد و به ویژه به کیفیت رابطه والد-فرزند بستگی دارد، به طور مثال غفلت و بی‌توجهی والدین موجب بی‌اعتمادی و سبک زندگی سرشار از کینه، نفرت، انتقام و دشمنی نسبت به دیگران می‌شود یا محبت افراطی موجب لوس کردن و ناز پروردگی و سبک زندگی مبتنی بر وابستگی ناسالم به دیگران می‌شود. [۱۵] بنابراین منظومه خانواده که شامل جو خانوادگی و ارزش‌های خانواده است بر سبک زندگی تاثیر می‌گذارد، این که آیا در یک خانواده بین

اعضا پیوند و صمیمیت وجود دارد یا بیشتر سردی، دوری و حتی خصومت، سهم قابل توجهی در پیشبینی سلامت روانی فرزندان دارند. [۲۶] درگیری در الگوهای تعاملی نامناسب، علاوه بر پیامدهای روانی نامطلوب برای فرزندان، قابلیت آن‌ها برای شکل‌دهی روابط صمیمی با اطرافیان و در نتیجه یک سبک زندگی سازنده را به طور منفی متأثر می‌سازد. به عبارت دیگر دوران اولیه زندگی موجب شکلگیری سبک زندگی ویژه‌ای می‌شود که می‌تواند مخرب باشد، زمینه افت در کیفیت زندگی را پایه‌ریزی کند [۲۷] و فرد را در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دهد. [۲۸] درواقع آدلر به جبرگرایی خفیف اعتقاد داشت، بدین معنی که انسان تحت تأثیر گذشته است، ولی همچنین از اراده آزاد نیز برخوردار است، بدین معنی که وراثت و محیط توضیح کاملی برای رشد شخصیت بیان نمی‌کند، بلکه نحوه درک افراد از این تأثیرات، اساس ساخت خلاقانه نگرش به زندگی را تشکیل می‌دهد. بنابراین قدرت خلاق خود به فرد اجازه می‌دهد که توانایی ایجاد سبک زندگی مناسب را داشته باشد [۱۵] که با مفهوم روانشناسی استفاده (یعنی اگرچه مهم است که یک شخص چه چیزی دارد، اما اغلب مهمتر است که یک شخص از آنچه که دارد، چگونه استفاده می‌کند) و روانشناسی شجاعت (تمایل به ریسک‌پذیری و پیشروی در صورت وجود مشکلات در حوزه‌های مرتبط با تکالیف زندگی همچون کار، عشق و دوستی) مرتبط است. [۲۹] از نظر آدلر برخی سبک‌های زندگی همچون نوع مسلط (آگاهی اجتماعی کم، رفتار بدون توجه به دیگران، در حالت افراطی‌تر حمله به دیگران)، نوع گیرنده (انتظار رضایت از دیگران و وابستگی ناسالم به دیگران) و نوع اجتنابی (بدون تلاش برای رویارویی با مشکلات زندگی، دوری از مشکلات و در نتیجه کاهش احتمال شکست) مخرب هستند، زیرا افراد قادر به همکاری با دیگران نیستند و تضاد بین سبک زندگی آن‌ها و

دنیای واقعی منجر به رفتارهای نابهنجار همچون بزهکاری می‌شود. از سوی دیگر سبک نوع مفید اجتماعی نیز توسط آدلر معرفی شد که فرد به‌خوبی با دیگران همکاری می‌کند و به لحاظ اجتماعی سازگار است. [۱۵] همچنین از نظر آدلر افراد با الگوهای رفتاری غیرسازنده همچون بهانه تراشی (برای انجام‌دادن کارها)، کناره‌گیری (پسرفت، اجتناب و کاهش خطر شکست) و پرخاشگری (تحقیر و آزار دیگران) که گرایش‌های محافظ‌ناامیده می‌شوند، سعی می‌کنند که از عزت نفس شکننده خود محافظت و سبک زندگی معیوب فعلی خود را حفظ کنند. [۲۵] سبک‌های زندگی مخرب همچون نوع مسلط همراه با گرایش محافظ پرخاشگری که با رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری مرتبط است، موجب انعطاف‌ناپذیری در زندگی فرد می‌شوند که با ناتوانی در انتخاب روش‌های جدید واکنش به محیط مشخص می‌شود. [۲۵] درحالی‌که قدرت خلاق خود می‌تواند از شدت اثرات منفی گذشته کم کند، اما نوجوانان بزهکار از به کارگیری آن ناموفق هستند، در نتیجه سبک زندگی مسوولیت‌گريزانه‌ای انتخاب می‌کنند، به‌طوری‌که رفتارهای سرزده فرد از کنترل وی خارج و ناشی از عوامل بیرونی به‌خصوص گذشته وی است. در نتیجه فرد خود را قربانی و مسوولیت‌ناپذیر در نظر می‌گیرد که موجب پیامدهای منفی همچون بزهکاری می‌شود که با سبک زندگی مسلط، زندگی بر علیه دیگران و پرخاشگری مرتبط است. همچنین بر اساس روانشناسی آدلری ترتیب تولد نیز می‌تواند بر سبک زندگی و پیامدهای بعدی زندگی موثر باشد. به‌عنوان مثال، تک‌فرزندها تمایل به کمال‌گرایی، بزرگترین‌ها تمایل به رهبری، متولدان دوم تمایل به سرکشی، بچه‌های وسط تمایل به مردم‌دار بودن و فرزندان کوچکتر بیشتر تمایل به جلب‌توجه دارند. [۱۶] البته ترتیب تولد به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست و در مطالعات مختلف نیز نتایج یکسانی گزارش نشده است. به‌طور مثال یک بررسی نشان داد فرزندان اول به دلایلی همچون تعاملات اجتماعی کمتر و گوشه‌گیری بیشتر در معرض بزهکاری هستند، [۳۰] اما پژوهشی دیگر بیان می‌کند که فرزندان اول به دلیل این‌که کنترل و نظارت بیشتری را تجربه می‌کنند، کمتر درگیر بزهکاری می‌شوند، [۳۱] بنابراین ترتیب تولد نقش نسبتاً ناچیزی در شکل‌دهی رفتار بزهکارانه نوجوانان دارد [۳۲] و نظرات متفاوتی حتی در بین آدلری‌ها درباره کاربرد مفهوم ترتیب تولد وجود دارد. [۱۶]

علاقه اجتماعی: حقارت طبیعی، پیوستن افراد به یکدیگر را ایجاب می‌کند و برای تداوم نوع بشر ضروری است. [۲۵] علاقه اجتماعی شامل احساس همکاری با مردم، احساس تعلق و مشارکت در خیر عمومی است و با همدلی و شفقت نسبت به دیگران برابر است. [۳۳] علاقه اجتماعی به‌عنوان یک پتانسیل ذاتی در همه انسان‌ها وجود دارد، اما قبل از این‌که بتواند به سبک مفید زندگی کمک کند، باید توسعه یابد. جو مطلوب خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در شکلگیری رشد علاقه اجتماعی دارد. [۲۵] معاشرت با دیگران اولین وظیفه اجتماعی افراد است و ظرفیت افراد برای کنار آمدن با دیگران به بخشی از سبک زندگی تبدیل می‌شود و در نتیجه بر نحوه مواجهه با چالش‌ها تأثیر می‌گذارد. سطوح بالای علاقه اجتماعی موجب همکاری، همدلی، حل

سازنده مساله و رضایت از زندگی می‌شود، اما زمانی آسیب‌زا است که فردی با جامعه خود درگیر نباشد، به رفاه بقیه علاقه‌مند نباشد و حتی فراتر سبک زندگی مسلط و مرتبط با گرایش محافظ پرخاشگری را برگزیند. بزهکاری، رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه نیز از چنین سبک زندگی نشات می‌گیرد. [۳۴] احساس اشتراک و علاقه اجتماعی با خودخواهی همبستگی معکوس دارد و موجب حس تعلق و خوشبینی نسبت به سایرین و همدلی با آن‌ها می‌شود [۳۵] و سلامت روان را به ارمغان می‌آورد. [۳۶] از سوی دیگر علاقه اجتماعی پایین با اهداف بلندپروازانه مرتبط است که صرفاً جنبه خودخواهانه دارد و باعث دوری دیگران می‌شود. [۳۷] تعلق اجتماعی در دوران نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و طرد اجتماعی و تنهایی اثرات منفی بر بهزیستی فوری و بلندمدت نوجوانان دارد. [۳۸] علاقه اجتماعی پایین مانع از این می‌شود که فرد بتواند دنیای ذهنی دیگران را درک کند و به تبع آن فرد در ارتباطات بین فردی نمی‌تواند به صورت سازنده عمل کند، [۳۹ و ۴۰] به‌ویژه در دوره نوجوانی که رشد شناختی و اخلاقی همچنان در حال تکامل است، فرد ممکن است آسیب‌پذیرتر باشد؛ به گونه‌ای که بدون در نظر گرفتن پیامدهای رفتارهای خود، مرتکب بزهکاری شود و آگاهی اندکی نسبت به آسیب‌های وارد شده به دیگران و جامعه داشته باشد. درواقع بر اساس نظریه آدلر ماهیت اساسی افراد اجتماعی بودن است و رفتار تنها در یک زمینه اجتماعی درک می‌شود. هر فردی باید به یک سیستم اجتماعی تعلق داشته باشد، روابط متقابل برقرار کند و در فعالیت‌های ارزشمند با دیگران شرکت کند. به همین ترتیب، هرکس موجودی اجتماعی است و یک هدف اساسی به نام تعلق داشتن و احساس مهم بودن وجود دارد که در طول زندگی برای طبیعت انسان حیاتی است. هر فردی تصمیم می‌گیرد که عضو گروه و شبکه شود تا مورد پذیرش و تعلق دیگران قرار بگیرد، از سوی دیگر در صورتی که فرد نتواند به‌خوبی با این چالش روبرو شود، احساس عدم‌پذیرش و دلسردی می‌کند و ممکن است درگیر رفتارهای مخرب برای خود و دیگران شود. [۱۷] خودمحوری، خودخواهی و ناسازگاری در روابط اجتماعی که منجر به رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه می‌شود، نوعی اقدام علیه جامعه محسوب شده و نشان‌دهنده سطوح پایین علاقه اجتماعی است. [۳۳] در همین راستا یافته‌های یک بررسی نشان داد که پایین بودن علاقه اجتماعی در نوجوانان، میزان بزهکاری، جنایت و پرخاشگری را افزایش می‌دهد [۴۲] و پژوهشی دیگر نشان داد که توجه به دیگران و شهود اخلاقی با بزهکاری ارتباط منفی و معنادار دارد. [۴۳]

احساس حقارت: احساس حقارت وضعیتی طبیعی و محرکی برای تلاش سالم و رشد فردی است، به عبارت دیگر احساس حقارت یک نیروی انگیزشی سالم برای حرکت است. [۴۴] جبران نیز انگیزه‌ای برای غلبه بر حقارت و فراتر تلاش برای برتری، موفقیت، کمال و تعالی و سطوح بالاتر رشد بر اساس علاقه اجتماعی است. از سوی دیگر عقده حقارت زمانی ایجاد می‌شود که فرد قادر به جبران سازنده احساس حقارت نباشد و غرق در احساس درماندگی، ناکفایتی و دلسردی شود. عقده برتری نیز که شامل نظر

اغراق‌آمیز در مورد توانایی‌ها و دستاوردهای خود است، زمانی ایجاد می‌شود که فرد احساس حقارت را بیش از حد جبران کند و شامل خودستایی و تمایل به تحقیر دیگران است. [۱۵] به بیان دیگر احساس کاذب قدرت و امنیت که در عقده برتری نهفته است، اغلب یک عقده حقارت را پنهان می‌کند. عقده برتری معمولاً در نتیجه تلاش برای فرار از مشکلات و ناتوانی در مواجهه مستقیم با آن‌ها است. این افراد معمولاً نسبت به بقیه به عنوان تحقیرکننده و پرخاشگر توصیف می‌شوند و عزت نفس شکننده خود را پشت عقده برتری پنهان می‌سازند. مصادیق عقده برتری در آسیب‌های روانی و همچنین در بزهکاری و رفتار مجرمانه که نوعی سورفتار (عملی به منفعت خود و به ضرر دیگران) محسوب می‌شوند، مشاهده می‌شود [۴۵] و بر اساس مطالعات مختلف ریشه در سازه‌های مرتبط با دلسردی همچون ناامیدی و درماندگی دارند. [۴۷-۴۵] در همین راستا یافته‌های یک پژوهش نشان داد افرادی که از عقده‌های حقارت و برتری رنج می‌برند به صورت آسیب‌زایی بر خودشان متمرکز هستند و همچنین عقده برتری موجب رفتارهای ضداجتماعی می‌شود، در نتیجه فرد به دیگران آزار می‌رساند بدون اینکه احساس همدلی یا شفقت از خود بروز دهد. [۴۸] یافته‌های پژوهشی دیگر نشان داد که با افزایش عقده حقارت، میزان ناکامی و پرخاشگری نیز در نوجوانان افزایش می‌یابد. [۴۹] احساس طبیعی حقارت موجب فعال‌سازی مکانیزم جبران می‌شود که اگر مبتنی بر علاقه اجتماعی باشد با موفقیت و کمال مرتبط است، ولی اگر نوجوان به هر دلیلی (از جمله غفلت یا نازپروردگی والدین) از یک سبک زندگی سازنده برای جبران احساس حقارت برخوردار نباشد، در نتیجه بسیار آسیب‌پذیر می‌شود؛ زیرا تلاش برای کمال جزو میل ذاتی انسان محسوب می‌شود و اگر شرایط مساعد نباشد، فرد از مسیر درست که مبتنی بر علاقه اجتماعی است منحرف می‌شود و درگیر روش‌های مخرب همچون همنشینی با همسالان

[۵۱] بررسی دیگر نیز رابطه بین تحریف‌های شناختی و فعالیت مجرمانه را آشکار ساخت، به طوری که تحریف‌های شناختی مختلف هر کدام نقش مشخصی در فعالیت مجرمانه دارند و تحریفات خاصی بر انواع، فراوانی و حتی شدت تخلفات تاثیر می‌گذارد، هرچند برخی تحریف‌های شناختی همچون «تفکر همه یا هیچ» در اغلب رفتارهای مجرمانه ظاهر می‌شود، [۵۲] یافته‌های پژوهشی دیگر حاکی از آن است که قضاوت‌های اخلاقی نابالغ، تحریف‌های شناختی و همدلی کم می‌توانند به جرم جنایی کمک کنند. [۵۳] از سوی دیگر عقل سلیم منعکس‌کننده تفکر مشترک و انتظارات قابل قبول جامعه است که از طریق تعامل آموخته می‌شود. [۱۶] تفکر همراه با سوتعبیر حاکم بر منطق خصوصی پایه بسیاری از مشکلات در فرد است. منطق خصوصی می‌تواند به گونه‌ای باشد که مبتنی بر یک سبک زندگی سازنده و علاقه اجتماعی باشد یا این که از مسیر انسانی منحرف شده و بر پایه اشتباهات بنیادین یا باورهای تحریف شده که فرد بر اساس آن خود و دنیا را تعبیر می‌کند، باشد. [۴۶] با توجه به این که بزهکاری رفتاری علیه دیگران و مغایر با هنجارهای اجتماعی است، می‌توان آن را ناشی از ناهماهنگی میان منطق خصوصی نوجوان بزهکار و عقل سلیم جامعه دانست. در چنین شرایطی، مداخله‌های مشاوره‌ای و روان‌درمانی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در صورت تداوم این تعارض، شدت آن افزایش یافته و می‌تواند سلامت فرد و جامعه را به خطر اندازد. در جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان گفت که در چارچوب نظریه آدلر، بزهکاری نوجوانان عمدتاً در بستر شکلگیری سبک زندگی ناسازگار تبیین می‌شود. این شرایط با کاهش سطح علاقه اجتماعی همراه است و زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای بزهکارانه می‌گردد. در این میان، بزهکاری را می‌توان به مثابه یک راهبرد جبرانی ناسازگار برای مقابله با احساس حقارت در نظر گرفت که به جای تسهیل رشد، مانع از انجام سازنده تکالیف زندگی می‌شود. جدول شماره یک خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش را گزارش می‌دهد.

جدول (۱) خلاصه یافته‌ها			
مفاهیم	نکات کلیدی	نقش	پیامد
سبک زندگی	خانواده، روانشناسی استفاده، روانشناسی شجاعت، سبک‌های اساسی (مسلط، گیرنده، اجتنابی، مفید اجتماعی)، قدرت خلاق خود، گرایش‌های محافظ، ترتیب تولد	شکلگیری الگوی پایدار رفتار از کودکی	سبک زندگی غیرسازنده: موجب وابستگی ناسالم و رفتارهای مرتبط با بزهکاری (خصوصاً، رفتار ضداجتماعی، مسوولیت‌ناپذیری)
علاقه اجتماعی	ظرفیتی ذاتی ولی قابل پرورش (شامل تعلق، همدلی و همکاری)	تنظیم روابط بین‌فردی	علاقه اجتماعی رشد نیافته: مرتبط با ویژگی‌های مرتبط با بزهکاری (همچون خودمحوری افراطی و انزوا)
احساس حقارت	نیروی انگیزشی سالم، مکانیزم جبران	فرصتی برای رشد (کمال، موفقیت، تعالی)	جبران ناسازگار: عقده حقارت و عقده برتری و رفتارهای بزهکارانه
منطق خصوصی	باورهای فردی و ذهنی	توجیه رفتار	منطق خصوصی بر مبنای اشتباهات بنیادین و در تضاد با عقل سلیم و توجیه رفتارهای بزهکارانه

بزهکار، اعمال ضداجتماعی و بزهکاری می‌شود. درواقع بزهکاری را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارهای بی‌حاصل ناشی از عقده برتری در نظر گرفت که با نیاز ذاتی انسان یعنی تلاش برای کمال در تضاد است و یک نوجوان بزهکار همچون کسی که از اختلال روانی رنج می‌برد، نیاز به مشاوره یا روان‌درمانی دارد. با در نظر گرفتن مفهوم غایت‌شناسی در نظریه آدلر که رفتار را بر اساس اهداف و با نگاه به آینده تبیین می‌کند، [۲۵] بنابراین بزهکاری را نیز می‌توان مجموعه‌ای از رفتارهای ناپه‌نجار و هدفمندی در نظر گرفت که برای فرد کارکرد دارد و موجب می‌شود که فرد برای ارضای نیازهای ذاتی مرتبط با کمال درگیر روش‌هایی شود که ناکارآمد است، زیرا مبتنی بر علاقه اجتماعی نیست و همچون بزهکاری با آزار و آسیب به دیگران همراه است.

منطق خصوصی: هدفمندی موجب می‌شود که فرد احساس امنیت کند و احساس کند که در زندگی جایگاهی دارد. تعیین اهداف به منطق خصوصی فردی نیز بستگی دارد. منطق خصوصی یک ایدئولوژی ذهنی و شخصی مبتنی بر سبک زندگی است که به افراد در دستیابی به اهداف کمک می‌کند. هر فردی به گونه‌ای عمل می‌کند که انگار تصورش از جهان درست یا دقیق است. [۵۰] به طور مثال نوجوان بزهکار ممکن است که رفتارهای غیرقانونی و ضداجتماعی خود را توجیه کند، مسوولیت اشتباهات خود را نپذیرد و احساس پشیمانی نکند، حتی از نظریه بهترین کاری است که می‌تواند بر اساس سبک زندگی و با توجه به شرایط بروز دهد. در واقع اشتباهات بنیادین که شامل باورهای غیرعقلانی یا تحریف‌های شناختی هستند و موجب آشفتگی‌های هیجانی می‌شوند، می‌تواند مبنایی برای منطق خصوصی باشند، [۱۶] به طوری که یافته‌های یک پژوهش نشان داد بین باورهای غیرمنطقی و نگرش مثبت به بزهکاری همبستگی وجود دارد و باورهای غیرمنطقی می‌توانند به صورت مثبت و معنادار نگرش به بزهکاری در نوجوانان را پیشبینی کنند.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین بزهکاری نوجوانان بر اساس نظریه روانشناسی فردی آدلر بود. شواهد پژوهشی همسو با یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سازه‌های مرتبط با بزهکاری، از جمله جرم، خشونت و پرخاشگری، به‌عنوان پاسخ‌هایی ناسازگار به شرایط اجتماعی و درعین حال انتخاب‌هایی هدفمند اما ناکارآمد برای ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و رشد فردی تلقی می‌شوند. [۲۱ و ۲۲] براین اساس اگر سال‌های اولیه زندگی موجب شکلگیری سبک زندگی ناکارآمد و علاقه اجتماعی پایین در نوجوان شود و فرد درگیر منطق خصوصی شود که در تضاد با عقل سلیم باشد، بین وی و جامعه شکاف ایجاد می‌شود و کیفیت زندگیش به‌صورت منفی تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد. چنین فردی به‌صورت هدفمند در جهت تلاش برای جبران حقارت و ترمیم عزت‌نفس مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شود تا از این طریق به‌نوعی هویت‌یابی کرده باشد و خودش را بروز دهد. هرچند این رفتارها چون بر علیه دیگران است و مبتنی بر علاقه اجتماعی نیست به‌نوعی انحراف از میل ذاتی برای کمال و موفقیت محسوب می‌شود و کارساز نیز نیست؛ از سوی دیگر فرد در صورتی که بر اساس توانمندی‌های انسانی همچون شجاعت و خلاقیت که به آن مجهز است، تغییر رویه ندهد و سبک زندگی‌اش را تعدیل نکند، بیشتر در معرض روان‌رنجوری قرار می‌گیرد و در دوره نوجوانی مرتکب بزهکاری و همچنین مستعد ابتلا به اختلالات روان‌شناختی همچون اختلال شخصیت ضداجتماعی در بزرگسالی می‌شود. [۵۴] بر اساس نظریه آدلر علی‌رغم تأثیرات قابل‌توجهی که گذشته بر زندگی فعلی فرد دارد، اما امکان تغییرات کوچک یا بزرگ در ویژگی‌های شخصیت، افکار، احساسات و رفتارها وجود دارد، در نتیجه سبک زندگی فرد به‌صورت مثبت تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد و امکان وصل شدن به روابط و فعالیت‌های معنادار در زندگی مهیا می‌شود. بنابراین چون فرد تغییر رویه داده است به‌تبع آن توسط بخشی از خودش و دیگران تقویت نیز می‌شود که می‌تواند در حفظ و تداوم سبک جدید زندگی موثر باشد. در این صورت از بروز رفتارهای بزهکارانه پیشگیری می‌شود و احتمال ابتلا به اختلالات روان‌شناختی و سایر آسیب‌های اجتماعی در بزرگسالی نیز کاهش می‌یابد. [۲۱ و ۲۲] درواقع بر اساس نظریه آدلر انسان علی‌رغم این که تحت‌تاثیر گذشته است ولی می‌تواند انتخاب کند که قربانی گذشته نباشد و با تغییر در سبک زندگی بر روند زندگی‌اش کنترل نسبی داشته باشد و پیامدهای متفاوتی را تجربه کند، این پیامدها اگر مثبت و مبتنی بر علاقه اجتماعی باشد با رضایت و بازخورد مثبت دیگران نیز همراه است که به‌صورت یک حلقه مثبت موجب تقویت رفتارهای مثبت و سبک زندگی سازنده می‌شود.

راه‌بست‌ها: در پژوهش حاضر بزهکاری به‌عنوان یکی از آسیب‌های دوره نوجوانی که دارای جنبه‌های روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی است، بر اساس نظریه آدلر تبیین شد و در تعمیم یافته‌ها به سایر آسیب‌های دوره نوجوانی یا به افراد سایر دوره‌های سنی باید احتیاط کرد.

پیشنهادهای: در این راستا، پیشنهاد می‌شود سایر آسیب‌ها و اختلالات شایع در دوره نوجوانی نیز در چارچوب نظریه روانشناسی فردی یا دیگر رویکردهای جامع و یکپارچه تبیین شوند تا درک عمیق‌تری از این پدیده‌ها فراهم آید. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود با طراحی و اجرای دوره‌های آموزش خانواده برای والدین، سطح توانمندسازی خانواده‌ها ارتقا یابد تا زمینه شکلگیری سبک زندگی کارآمد و افزایش علاقه اجتماعی در فرزندان فراهم شود. اثربخشی این مداخلات در صورتی افزایش خواهد یافت که پیش از ورود کودک به دوره نوجوانی و در سنین پایین‌تر، مانند دوره پیش‌دبستانی، اجرا شوند. همچنین توصیه می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر آموزه‌های نظریه آدلر، زمینه پرورش و فعال‌سازی توانمندی‌های ذاتی نوجوانان از جمله خلاقیت و شجاعت فراهم گردد، به‌گونه‌ای که این توانمندی‌ها در انجام موثر تکالیف زندگی و در نهایت در دستیابی به موفقیت و کمال فردی نقش‌آفرین باشند. در این رویکرد، نوجوان می‌آموزد تجربه‌های خود را بازتفسیر کرده و به‌جای اجتناب از مشکلات، با مسوولیت‌پذیری با تکالیف زندگی مواجه شود. این فرایند موجب شکلگیری سبک زندگی مفید اجتماعی و افزایش سازگاری فردی و اجتماعی می‌گردد و در نهایت می‌تواند احتمال گرایش به رفتارهای ناسازگار از جمله بزهکاری را کاهش دهد.

تضاد منافع: نویسندگان گواهی می‌کنند که هیچ نوع تضاد منفعی چه نویسندگان با یکدیگر و چه با افرادی خارج از تیم نویسندگان و چه با سازمان‌ها وجود ندارد.



References:

1. Dahl RE. Adolescent brain development: A period of vulnerabilities and opportunities. Keynote address. *Annals of the New York Academy of Sciences*. 2004; 1021: 1–22. <https://doi.org/10.1196/annals.1308.001>
2. Tomé G, Matos M, Simões C, Diniz JA, Camacho I. How can peer group influence the behavior of adolescents: Explanatory model. *Global Journal of Health Science*. 2012; 4(2): 26–35. <https://doi.org/10.5539/gjhs.v4n2p26>
3. Branje S, De Moor EL, Spitzer J, Becht AI. Dynamics of identity development in adolescence: A decade in review. *Journal of Research on Adolescence*. 2021; 31(4): 908–927. <https://doi.org/10.1111/jora.12678>
4. Koenig J, Farhat LC, Bloch, MH. Editorial: From adolescence into young adulthood - the importance of a longitudinal perspective across development in child and adolescent mental health. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines*. 2025; 66(1): 1–3. <https://doi.org/10.1111/jcpp.14094>
5. Sawyer SM, Azzopardi PS, Wickremarathne D, Patton, GC. The age of adolescence. *The Lancet. Child & Adolescent Health*. 2018; 2(3): 223–228. [https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(18\)30022-1](https://doi.org/10.1016/S2352-4642(18)30022-1)
6. Hosseini Dowlatabadi F, Saadat S, Ghasemi Jobaneh R. Relationship between parenting styles, self-efficacy and attitude to delinquency among high school students. *Criminal Law Research*. 2013; 4(2): 67–88. [Persian] https://jol.guilan.ac.ir/article_634.html?lang=en
7. La MH. Toward an integrative and collaborative approach to Asian American and Pacific Islander youth violence research, practice, and policy. *Aggression and Violent Behavior*. 2009; 14(6): 454–460. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2009.07.006>
8. Abhishek R, Balamurugan J. Impact of social factors responsible for Juvenile delinquency- A literature review. *Journal of Education and Health Promotion*. 2024; 13: 102. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_786_23
9. Frazier J, Schreck C, & Rogers E. Delinquency. *Encyclopedia of Adolescence Second Edition*. Academic Press. 2024; 174–186. <https://doi.org/10.1016/B978-0-323-96023-6.00119-6>
10. Gogineni RR, Qari O, Sharma S. Juvenile delinquency around the world: Public psychiatry. *World Social Psychiatry*. 2023; 5(2): 149–52. https://doi.org/10.4103/wsp.wsp_30_23
11. Murtaza A, Nawaz Y, Hashmi H, Zara M, Asfand A. Causes leading to juvenile delinquency: A case study conducted at Punjab, Pakistan. *Khaldunia- Journal of Social Sciences*. 2021; 1(1): 41–52. <https://nja.pastic.gov.pk/journals/index.php/KJSS/article/view/1048>
12. Xu S, Yu J, Hu Y. Formation mechanism and prediction model of juvenile delinquency. *Frontiers in Psychology*. 2023; 14: 1087368. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1087368>
13. Aazami A, Valek R, Ponce AN, Zare H. Risk and protective factors and interventions for reducing juvenile delinquency: A systematic review. *Social Sciences*. 2023; 12(9): 474. <https://www.mdpi.com/2076-0760/12/9/474>
14. Arslan IYT, Arslan MN, Korkut M. From risk to resilience: Understanding and mitigating juvenile delinquency. *J Forensic Leg Med*. 2025; 115: 102940. <https://doi.org/10.1016/j.jflm.2025.102940>
15. Schultz D, Schultz S. *Theories of Personality*. Eleventh edition. Boston: Cengage Learning. 2017. <https://www.cengage.com/c/theories-of-personality-11e-schultz-schultz/9780357670774/>
16. Wedding D, Corsini R. *Current psychotherapies*. Boston: Brooks/Cole, Cengage Learning. 2019. <https://search.worldcat.org/title/Current-psychotherapies/oclc/707439488>
17. Cedeno R, Torrico TJ. *Adlerian Therapy*. StatPearls Publishing. 2024. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/38261699/>
18. McCarty DL, Christian DD, Stefurak T. Adlerian-informed supervision: Protecting counselors from burnout and improving client outcomes in the juvenile justice system. *Psychological Services*. 2023; 20(2): 318–325. <https://doi.org/10.1037/ser0000641>
19. Wood A. Alfred Adler's treatment as a form of brief therapy. *Journal of Contemporary Psychotherapy*. 2003; 33: 287–301. <https://doi.org/10.1023/B:JOC.0000004500.47149.8d>
20. Rooney RM, Hopkins A, Peckover J, Coleman K, Sampson R, Alati R, Hassan S, Pollard C.M, Dantas JAR, Lobo R, Jeemi Z, Burns S, Cunningham R, Monterosso S, Millar L, Dovchin S, Oliver R, Bhoyroo R, Ayano G. Protective factors, risk factors, and intervention strategies in the prevention and reduction of crime among adolescents and young adults aged 12–24 years: A scoping review protocol. *PloS one*. 2024; 19(11): e0312684. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0312684>
21. Shon PC, Barton-Bellessa S. The assumption of rational choice theory in Alfred Adler's theory of crime: Unraveling and reconciling the contradiction in Adlerian theory through synthesis and critique. *Aggression and violent behavior*. 2015; 25: 95–103. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2015.07.004>
22. Smith S, Mullis F, Kern RM, Brack G. An Adlerian model for the etiology of aggression in adjudicated adolescents. *The Family Journal*. 1999; 7(2): 135–47. <https://doi.org/10.1177/1066480799072006>
23. Sukhera J. Narrative reviews: Flexible, rigorous, and practical. *Journal of Graduate Medical Education*. 2022; 14(4): 414–417. <https://doi.org/10.4300/JGME-D-22-00480.1>
24. Sukhera J. Narrative reviews in medical education: Key steps for researchers. *Journal of Graduate Medical Education*. 2022; 14(4): 418–419. <https://doi.org/10.4300/JGME-D-22-00481.1>
25. Feist J, Roberts T, Feist J. *Theories of personality*. New York: McGraw-Hill Education. 2021. <https://www.mheducation.com/highered/product/theories-of-personality-feist.html>
26. Hollenstein T, Granic I, Stoolmiller M, Snyder J. Rigidity in parent—child interactions and the development of externalizing and internalizing behavior in early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 2004; 32(6): 595–607. <https://doi.org/10.1023/b:jacp.0000047209.37650.41>
27. Nasehi A, Raeisi F. A Review of Adler's Theories. *Advances in Cognitive Sciences*. 2007; 9(1): 55–66 [Persian] <https://icssjournal.ir/article-1-340-en.html>
28. Asghari F, Sayadi A, Ghasemi Jobaneh R. The role of psychological resilience in relation to family resilience

- and attitudes toward drugs in young girls and Boys: An analysis of the modified mediating effect. *Journal of Policing & Social Studies of Women & Family(pssw)*. 2020; 8(2): 405-423. [Persian] <https://sid.ir/paper/980871/en>
29. Yang J, Milliren A. The Psychology of courage: An Adlerian handbook for healthy social living. 1st Edition. New York: Routledge. 2010. <https://www.routledge.com/The-Psychology-of-Courage-An-Adlerian-Handbook-for-Healthy-Social-Living/Yang-Milliren/p/book/9781138884397>
30. Ajake U, Ekpo T. Birth order and delinquency among senior secondary school student in Calabar South, Cross River State. *Journal of Contemporary Research*. 2013; 10(1): 22-29. <https://www.ajol.info/index.php/lwati/article/view/92161>
31. Bègue L, Roché S. Birth order and youth delinquent behaviour testing the differential parental control hypothesis in a French representative sample. *Psychology, Crime & Law*. 2005; 11(1): 73-85. <https://doi.org/10.1080/1068316042000221121>
32. Cundiff PR. Ordered delinquency: The "effects" of birth order on delinquency. *Personality & Social Psychology Bulletin*. 2013; 39(8): 1017-1029. <https://doi.org/10.1177/0146167213488215>
33. Carlson J, Englar-Carlson M. Adlerian psychotherapy. American Psychological Association. 2017. <https://psycnet.apa.org/record/2017-01880-000>
34. Kałużna-Wielobób A, Strus W, Cieciuch J. Community feeling and narcissism as two opposite phenomena. *Front Psychol*. 2020; 11: 515895. <https://www.frontiersin.org/journals/psychology/articles/10.3389/fpsyg.2020.515895/full>
35. Okada D, Bingham PM. Human uniqueness-self-interest and social cooperation. *Journal of Theoretical Biology*. 2008; 253(2): 261-270. <https://doi.org/10.1016/j.jtbi.2008.02.041>
36. Schwartz C, Meisenhelder JB, Ma Y, Reed G. Altruistic social interest behaviors are associated with better mental health. *Psychosomatic Medicine*. 2003; 65(5): 778-785. <https://doi.org/10.1097/01.psy.0000079378.39062.d4>
37. Joubert CE. Narcissism, need for power, and social interest. *Psychological Reports*. 1998; 82(2): 701-702. <https://doi.org/10.2466/pr0.1998.82.2.701>
38. Tomova L, Andrews J, Blakemore S. The importance of belonging and the avoidance of social risk taking in adolescence. *Developmental Review*. 2021; 61: 100981. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2021.100981>
39. Van Dam C, De Bruyn EE, Janssens JM. Personality, delinquency, and criminal recidivism. *Adolescence*. 2007; 42(168): 763-777. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18229510/>
40. Carr MB, Lutjemeier JA. The relation of facial affect recognition and empathy to delinquency in youth offenders. *Adolescence*. 2005; 40(159): 601-619. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/16268136/>
41. Daugherty DA, Murphy MJ, Paugh J. An examination of the Adlerian construct of social interest with criminal offenders. *Journal of Counseling & Development*. 2001; 79(4): 465-471. <https://doi.org/10.1002/j.1556-6676.2001.tb01994.x>
42. Bozorgi Z. Comparison of social interest and borderline personality component in delinquent and non-delinquent adolescents in Mashhad, Iran. The first scientific-research conference on psychology, counseling, educational sciences and social sciences. 2020. <https://en.civilica.com/doc/1044315/>
43. Chouhy C, Hochstetler ST, Cullen FT. Social concern and delinquency: An empirical assessment of a novel theory. *Deviant Behavior*. 2016; 38(1): 94-117. <https://doi.org/10.1080/01639625.2016.1196949>
44. Adler A. The Science of Living. New York: Routledge. 2013. <https://books.google.com/books?id=J0PvQ0caLu4C&printsec>
45. White K. Notes on 'Bemächtigungstrieb' and Strachey's translation as 'instinct for mastery'. *The International Journal of Psychoanalysis*. 2010; 91(4): 811-20. <https://doi.org/10.1111/j.1745-8315.2010.00354.x>
46. Brown A, Grady MD. Helplessness and hopelessness in adolescents who commit sexual and nonsexual crimes. *Victims & Offenders*. 2018; 14(1): 15-31. <https://doi.org/10.1080/15564886.2018.1539687>
47. Burnside AN, Gaylord-Harden NK. Hopelessness and delinquent behavior as predictors of community violence exposure in ethnic minority male adolescent offenders. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 2019; 47: 801-810. <https://doi.org/10.1007/s10802-018-0484-9>
48. Cekrljija DM, Miloš Rokvić N, Dinić B, Schermer J. Relationship between the inferiority and superiority complex and the big five and dark triad traits. *Personality and Individual Differences*. 2023; 206: 112123. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2023.112123>
49. Kenchappanavar R. Relationship between Inferiority complex and frustration in adolescents. *R. Journal of Humanities and Social Science*. 2012; 2(2): 1-5. https://www.researchgate.net/publication/271294136_Relationship_between_Inferiority_complex_and_Frustration_in_Adolescents
50. Pratt AB. Adlerian psychology as an intuitive operant system. *The Behavior Analyst*. 1985; 8(1): 39-51. <https://doi.org/10.1007/BF03391911>
51. Karimi F, Nikoy E, Nikkhah L, Asode Z, Babaei M. The relationship between irrational beliefs, controlling source, and attitude to delinquency among high school students. *Criminal Law Research*. 2016; 7(2): 223-243. [Persian] https://jol.guilan.ac.ir/article_2036.html
52. Syasyila K, Gin LL, Abdullah Mohd Nor H, Kamaluddin MR. The role of cognitive distortion in criminal behavior: a systematic literature review. *BMC Psychol*. 2024; 12: 741. <https://doi.org/10.1186/s40359-024-02228-0>
53. Lardén M, Melin L, Holst U, Långström N. Moral judgement, cognitive distortions and empathy in incarcerated delinquent and community control adolescents. *Psychology, Crime & Law*. 2006; 12(5): 453-462. <https://doi.org/10.1080/10683160500036855>
54. Washburn JJ, Romero EG, Welty LJ, Abram KM, Teplin LA, McClelland GM, Paskar LD. Development of antisocial personality disorder in detained youths: The predictive value of mental disorders. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 2007; 75(2): 221-231. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.75.2.221>